

شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۷

محمدحسین مردانی*

چکیده:

در عصر حاضر که مهاجرت و تجارت مفهوم تازه‌ای پیدا کرده است، وسایل ارتباط جمعی به‌طور وسیعی مرزهای جغرافیایی را کمرنگ‌تر نموده و با تصویب کنوانسیون‌های مختلف روزبه‌روز کشورها اختیار عمل‌شان کمتر و محدودتر می‌شود و در واقع، جهان به‌سوی نظام وحدت حقوقی پیش می‌رود. بی‌شک شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی یکی از زمینه‌هایی است که در این میان، در حقوق بین‌الملل خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقل‌وانتقال اموال از کشوری به کشور دیگر گاه سبب می‌شود که حکم صادره در مورد اموال محکوم‌علیه در کشور محل صدور حکم قابل اجرا نباشد و ناچار در کشوری که اموال در آنجا واقع است، تقاضای اجرای آن شود. این موضوع به‌واسطه جابجایی اموال و اشخاص که در دهه‌های اخیر بیشتر شده است، موضوعی نو محسوب می‌شود که مطالعه آن می‌تواند به دانش حقوقی و رویه قضایی بیفزاید.

براساس نتایج به‌دست آمده در این تحقیق می‌توان ادعا نمود که امروزه شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در امور مدنی در نظام‌های مختلف حقوقی جهان از جمله نظام حقوقی ایران، امری پذیرفته شده است و در بیشتر موارد می‌توان به صدور دستور اجرای حکمی که در امور مدنی صادر شده است، از دادگاه خارجی امیدوار بود.

واژگان کلیدی: اجرای احکام، دادگاه خارجی، حقوق ایران، کنوانسیون‌ها، امور مدنی، حقوق بین‌الملل خصوصی.

* نویسنده مسئول؛ کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

مقدمه:

در مناسبات و روابط خصوصی افراد در سطح جهانی و بین‌المللی یکی از مهم‌ترین مباحث که غالباً توجه زیادی به آن می‌شود، بحث یافتن قانون صالح است. در هر سرزمینی برای تنظیم و سامان بخشیدن به روابط افراد، مخصوصاً روابطی که در آن افراد با عناصر بین‌المللی و تابعیت‌های مختلف سر و کار دارند قانون‌گذاران بر اساس مصالح سیاسی و اجتماعی، قانون صالح و دادگاه صالح را تعیین می‌نمایند. اصل صلاحیت سرزمینی قوانین و دادگاه‌ها تا اواخر قرون وسطی که روابط بین‌المللی محدود و توسعه‌نیافته بود به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل بود و اساساً اجرای احکام دادگاه‌های خارجی و یا اعمال قوانین خارجی در داخل قلمرو داخلی حکومت‌ها، امری غیرقابل تحمل برای حاکمیت‌ها بود.

این وضع تا اواخر قرون وسطی در سطح بین‌المللی حاکم بود تا این که پیشرفت تمدن و صنعت و ظهور انقلاب‌های صنعتی، علمی و سیاسی و توسعه وسایل ارتباط جمعی و احساس نیاز جامعه بشری به درک و احترام متقابل دولت‌ها و حاکمیت‌ها را بر آن داشت که تا حدودی در بعضی از مسائل مثل احوال شخصیه و مسائلی که ارتباط کمتری با نظم عمومی داشت، اجرای قوانین و احکام دادگاه‌های بیگانه را در خاک خود بپذیرند و از این اصل که قوانین مقر دادگاه باید همه مسائل را پوشش دهد و اینکه در محدوده جغرافیایی يك کشور فقط باید احکام صادره از دادگاه‌های همان کشور اجرا شود تا حدودی کوتاه آمدند. اکنون که جهان بشریت وارد عصر تکنولوژی خود گردیده و مشکلات و محدودیت‌ها نیز یکی پس از دیگری مقهور نیروی علم و دانش می‌گردد، به‌نظر می‌رسد که علم حقوق نیز باید همراه و همپای این تحولات حرکت کند تا بتواند متناسب با دیگر علوم، به‌روز شود و پاسخگوی نیازهای روزافزون و پیشرفت‌های پرشتاب صنعت و تکنولوژی از جمله پیشرفت‌های ایجادشده در ارتباطات بین‌المللی باشد.

تبیین موضوع:

شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق بین‌الملل خصوصی از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. در عصر حاضر که عصر ارتباطات است، مهاجرت و تجارت مفهوم تازه‌ای پیدا کرده است. وسایل ارتباط جمعی به‌طور وسیعی مرزهای جغرافیایی را کمرنگ‌تر نموده و حقوق بین‌الملل خصوصی دچار تحولات عمیق و روزافزونی شده است.

با تصویب کنوانسیون‌های مختلف روزبه‌روز کشورها اختیار عمل کمتر و محدودتری خواهند داشت و در واقع، جهان به سوی نظام وحدت حقوقی پیش می‌رود. در دهکده جهانی، حاکمیت‌ها مفاهیم کلاسیک خود را از دست داده‌اند و وظیفه هماهنگی و اجرای مقررات یکنواخت را مهم‌ترین وظایف حکومتی خود می‌دانند. تبعیض‌های نژادی بسیار کمرنگ شده است و با انسان‌ها به‌طور مساوی رفتار می‌شود.

سهولت و رونق روابط تجاری بین‌المللی نیازمند قوانین تجاری مشابه و حل‌وفصل اختلافات تجاری و حقوقی بر اساس قوانین واحد است. نقش حقوق‌دانان در موقعیت‌های مختلف مانند قانون‌گذاری، قضاوت و وکالت، سرعت بخشیدن به فرایند یکنواخت‌شدن قوانین می‌باشد. بدون شك یکی از حوزه‌های مهم یکنواخت‌شدن قوانین سعی در تنظیم قوانین یکسان برای اجرای احکام دادگاه‌های خارجی است که مطالعات تطبیقی نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف نقش به‌سزایی در این امر می‌تواند داشته باشد.

پیشینه موضوع:

ذکر این مطلب ضروری است که قبل از انقلاب اسلامی به دلیل تردد و رفت‌وآمد زیاد اتباع خارجی موارد زیادی از اجرای احکام خارجی در ایران مطرح می‌شد ولی این امر پس از انقلاب اسلامی به دلیل جنگ تحمیلی و مشکلات ناشی از تحریم‌ها به‌نحو قابل‌توجهی کاهش یافته است و مربوط به موارد نادری می‌شود. ولی با وجود این، بازهم مقررات مربوط به اجرای احکام خارجی کشورمان که در نظام گذشته تصویب شده، پاسخگوی همه نیازهای جامعه ما نیست و سال‌هاست که هیچ‌گونه اصلاحی در آن‌ها صورت نگرفته است. لذا در بسیاری از مواقع، مبهم و ناکافی به‌نظر می‌رسند و همین امر باعث برداشت‌های مختلف قضات و صدور آرای متفاوت از دادگاه‌ها می‌شود.

نقل و انتقال اموال از کشوری به کشور دیگر گاه سبب می‌شود که حکم صادره در مورد اموال محکوم علیه در کشور محل صدور حکم قابل اجرا نباشد و ناچار در کشوری که اموال در آنجا واقع است، تقاضای اجرای آن شود. این موضوع به واسطه جابجایی اموال و اشخاص که در دهه‌های اخیر بیشتر شده است موضوعی نو محسوب می‌شود که مطالعه آن می‌تواند به دانش حقوقی و رویه قضایی بیفزاید.

در زمینه شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی تاکنون کتابی نوشته نشده است و تنها در برخی کتب بین‌الملل خصوصی، صفحاتی محدود، به این مطلب اختصاص داده شده است. هم‌چنین پایان‌نامه‌ای با موضوع شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های بیگانه در حقوق ایران، برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین‌الملل عمومی نوشته شده^۱ که موضوع و دامنه آن تحقیق با موضوع یادداشت حاضر کاملاً متفاوت است. شایان ذکر است که یکی از مشکلاتی که امروز کشور ما با آن مواجه است مسئله اجرای احکام خارجی علیه ایران است که تاکنون تقاضای اجرای آرای زیادی علیه کشورمان از دادگاه‌های کشورهای اروپایی به عمل آمده است که گاه نیز منجر به توقیف اموال و دارایی‌های جمهوری اسلامی ایران در برخی کشورها شده است.

سؤالها و فرضیه‌ها

در این تحقیق به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا حکم صادر شده در موضوعات تجاری از دادگاه‌های خارجی در نظام حقوقی ایران و فرانسه قابل اجرا است یا خیر؟ در صورت پاسخ مثبت چه شرایطی لازم است تا احکام خارجی قابل اجرا باشند و خواهان اجرای حکم خارجی چه مدارکی را باید به همراه دادخواست خود ضمیمه کند.

بر همین اساس، صحت این فرضیه را بررسی خواهیم نمود که آیا در نظام حقوقی ما و هم‌چنین نظام حقوقی کشور فرانسه اصل بر اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در امور تجاری است و یا این که اصل بر عدم اجرای چنین احکامی است مگر اینکه خلاف آن

۱. یادآوری: موضوع یادشده نوشته محسن پیرزاده است.

ثابت شود. سعی می‌شود در تحلیل این فرضیه‌ها به بررسی رویه قضایی کشورهای مذکور و هم‌چنین عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های منعقدشده توسط آن‌ها و قوانین داخلی این کشورها توجه شود.

مفهوم حکم خارجی

اگر بخواهیم مفهوم حکم را به معنای کلی و عمومی آن در نظر بگیریم باید اذعان نمود که حکم را می‌توان هرگونه تصمیمی تلقی نمود که محاکم در رسیدگی به دعوی یا غیر آن اتخاذ می‌نمایند ولی هنگامی که حقوق‌دان‌ها در مورد حکم دادگاه صحبت می‌کنند آن چیزی که بیشتر مدنظر آنان است، آن دسته از تصمیمات دادگاه است که راجع به امور ماهوی است و قاطع دعوا است.

«در حقوق ایران ملاک قاطع جهت تشخیص امور ترفعی و حسبی وجود اختلاف و نزاع است. در مواردی که طبیعت درخواست و تقاضا نیازی به طرف قرار دادن کسی ندارد یعنی متقاضی درخواستی به زبان دیگری از دادگاه نمی‌کند موضوع تابع قواعد و مقررات امور حسبی است. بر عکس هر جا که دادگاه فصل خصومت می‌نماید تصمیم دادگاه حکم ترفعی است هرچند که در آغاز کار نیز تابع امور حسبی باشد. به‌عنوان مثال، اگر در جریان رسیدگی به درخواست حصر وراثت یا تقسیم ترکه در باب نسبت یا کیفیت تقسیم و مالکیت بین وراثت اختلاف حادث گردد حکمی که در این زمینه دادگاه صادر می‌نماید حکم ترفعی محسوب می‌شود.»^۱

منظور از حکم در بحث اجرای احکام خارجی در بعضی از نظام‌های حقوقی این است که حکم خارجی حکمی است که مقام قضایی در مقام اعمال و اجرای وظیفه قانونی خود صادر می‌کند. در انگلستان نیز از لحاظ شناسایی و اجرا همین معنا مورد قبول قرار گرفته است.^۲

برای اینکه دستور صادرشده از دادگاه خارجی را حکم تلقی نماییم وجود دو شرط لازم است؛

۱. کاتوزیان، ناصر، *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*، ج. ۵، ۱۳۷۶، نشر دادگستر، ص. ۱۱۷.

2. Wolf, Martin. *Private International Law*, Oxford press, 1995. P.255.

ابتدا اینکه قانون مقر دادگاه محل تقاضای شناسایی و اجرای حکم، دستور صادر شده را حکم بداند. دوم اینکه قانون دادگاه محل صدور حکم نیز تصمیم گرفته شده را حکم بداند. لذا اگر مطابق قوانین هر يك از دادگاه‌های محل صدور و یا محل تقاضای شناسایی و اجرا، دستور صادر شده حکم محسوب نشود نمی‌توان تصمیم اتخاذ شده توسط دادگاه را حکم خارجی تلقی نمود.

روش‌های مختلف شناسایی و اجرای احکام خارجی

نظام‌های حقوقی جهان رفتار یکسان و مشابهی نسبت به شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در پیش نگرفته‌اند. لذا روش‌ها و سیستم‌های مختلفی در این رابطه وجود دارد که ما در این بخش به بررسی انواع سیستم‌های مختلف در این زمینه از جمله سیستم رد مطلق، سیستم تجدیدنظر مطلق، سیستم شناسایی و اجرای مطلق و سیستم کنترل نامحدود خواهیم پرداخت.

روش کنترل محدود

در این روش، در واقع، اختیار قاضی تنها محدود به شرایط و جهات شکلی است و حق ورود در ماهیت دعوا را ندارد. در واقع، در این روش قاضی نمی‌تواند به بررسی دلایل و اسناد و مدارك و شهادت شهود و یا تفسیر دادگاه صادرکننده حکم بپردازد بلکه تنها حکم را از بعضی جهات و شرایط شکلی خاص بررسی می‌کند. برای مثال، صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی « صلاحیت بین‌المللی و قضایی » وجود امکان دفاع برای طرفین دعوا و در واقع، ترافعی بودن محاکمه، قطعی بودن و صدور دستور اجرای حکم از دادگاه صادرکننده، عدم تقلب نسبت به قانون، عدم مغایرت حکم با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور اجراکننده، عدم صدور حکم مغایر از دادگاه‌های کشور محل اجرا، معمولاً از مسائلی هستند که در بررسی‌های شکلی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در این روش، مواردی که باید توسط قاضی بررسی شود در بعضی کشورها توسط قانون و در برخی دیگر از کشورها توسط رویه قضایی مشخص شده است. کشورهای

ایرلند، انگلستان، آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از این روش (کنترل محدود) تبعیت می‌کنند.

روش کنترل نامحدود

در این روش، یک بررسی کلی روی حکم خارجی انجام می‌شود ولی قاضی نمی‌تواند طی بررسی خود حکم خارجی را تغییر دهد. البته قاضی می‌تواند حکم خارجی را از جهت موضوعات و قانون قابل اعمال بررسی کند. مثلاً در این روش قاضی می‌تواند بررسی کند که قانون حاکم بر دعوا قانون چه کشوری است و در مورد اینکه کدام قانون باید به‌عنوان قانون حاکم بر دعوا انتخاب می‌شده، اظهار نظر نماید. البته منظور از اعمال روش کنترل نامحدود این نیست که قاضی دادگاه حکم خارجی را تغییر دهد و یا اینکه موضوعی جدید را بررسی کند. کشورهای فرانسه و بلژیک از جمله کشورهایی هستند که نظام اجرای احکام خارجی آن‌ها به روش کنترل محدود شباهت زیادی دارد.

به همین دلیل است که گفته می‌شود کسی که در فرانسه درخواست اجرای حکم خارجی می‌نماید به‌سادگی موفق به تحصیل دستور اجرای حکم نمی‌شود.^۱

روش رد مطلق

در این روش، احکام صادرشده از کشورهای خارجی نه قابل شناسایی هستند و نه قابل اجرا یعنی در واقع، بر اساس این روش، هیچ اعتباری برای احکام خارجی وجود ندارد و این احکام در هیچ حالتی قابل شناسایی و اجرا نیستند. این روش که بیشتر الهام گرفته شده از حقوق رم است ناشی از احترام فوق‌العاده‌ای است که کشورها برای حاکمیت خود قائل هستند به همین دلیل، حکم دادگاه بیگانه در این روش به هیچ وجه به‌عنوان حکم منظور نمی‌شود و بیشترین ارزشی که می‌تواند داشته باشد، این است که صرفاً به‌عنوان یک سند مدنظر قرار گرفته شود.

۱. الماسی، نجاد علی، «شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه و حقوق انگلستان و آمریکا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش. ۲۵، ص. ۸۴.

روش تجدیدنظر مطلق

در کشورهایی که این روش در آن‌ها اعمال می‌شود قضات نسبت به شناسایی و اجرای حکم خارجی دارای اختیار مطلق هستند. قاضی می‌تواند علاوه بر بررسی جهات شکلی از جهت ماهوی نیز حکم خارجی را بررسی نموده و در حکم خارجی تغییراتی ایجاد کند و یا آن را به‌طور کلی اصلاح نماید. در این شیوه قاضی می‌تواند به‌طور کامل در ماهیت دعوا ورود نموده و مطابق نظر خود مفاد حکم خارجی را تغییر دهد.

این طرز تفکر تا قبل از سال ۱۹۶۴ در فرانسه حاکم بود و دادگاه‌های فرانسه احکام خارجی را از نظر ماهیتی نیز بررسی می‌کردند اما در ژانویه ۱۹۶۴ دیوان عالی کشور فرانسه با صدور رأیی در قضیه‌ای لزوم رسیدگی ماهوی را فسخ کرد.^۱

سیستم شناسایی و اجرای مطلق

این سیستم مربوط به آن دسته از کشورهایی است که مطابق قانون آن‌ها و یا عرف و رویه قضایی آن‌ها اجرای احکام خارجی در آن‌ها لازم است. البته ممکن است کشورهایی که این سیستم در آن‌ها حاکم است شرط رفتار متقابل را هم ضروری بدانند. در این کشورها معمولاً مبنای اجرای احکام خارجی، یا معاهدات دوجانبه است یا کنوانسیون‌های بین‌المللی و چندجانبه، یا قانون داخلی و یا رویه قضایی.

مبانی نظری شناسایی و اجرای احکام خارجی

اجرای احکام دادگاه‌های خارجی براساس مبانی و اصول خاص خود انجام می‌شود. مبانی نظری مختلفی در زمینه شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی وجود دارد که ما در این قسمت به بررسی و توضیح این اصول و مبانی خواهیم پرداخت. از جمله نظریات مبنایی و اصول شناسایی و اجرای احکام خارجی، نظریه نزاکت بین‌المللی، نظریه حقوق مکتسبه، نظریه رفتار متقابل، نظریه اعتبار امر قضاوت‌شده و نظریه تکلیف حقوقی می‌باشد.

۱. نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، نشر دانش امروز، تهران، ۱۳۷۰، ص. ۳۸۹.

نظریه نزاکت بین‌المللی

لغت‌نامه بلك مطابق تعريف خود نزاکت را این‌گونه بیان کرده است. "به‌طور کلی اصل نزاکت عبارت است از این‌که دادگاه يك کشور به قوانین و تصمیمات قضایی کشور دیگر اثر بخشد و این اثر بخشیدن نه از روی الزام باشد بلکه به علت احترام متقابل انجام پذیرد."^۱

«این نظریه که از نظریات گروسیوس و واتل اخذ گردیده ابتدائاً به وسیله مکتب‌های هلندی قرن هفدهم عنوان و مطرح گردید. مکتب مزبور از جمله مکاتب قدیمی بوده و در توسعه و تکامل نظریه تعارض قوانین مؤثر بوده است. براساس این مکتب که اصل سرزمینی بودن قوانین را که معتبر می‌دانست لزوم اجرای قوانین شخصی که استثنایی بر اصل محلی بودن قانون محسوب می‌شده مبتنی بر اصل نزاکت بین‌المللی بود. به‌طور خلاصه، این که اگر دولتی اجرای قوانین خارجی را در قلمرو خود به هیچ وجه مجاز نداند چگونه می‌تواند توقع داشته باشد که قوانین و احکام آن در کشور خارجی نسبت به اتباع او به موقع اجرا گذاشته شود. بنابراین منافع هر دولتی اقتضای این امر را که تا حدی اجرای قوانین و احکام خارجی را در خاک خود اجازه دهد، دارد.»^۲

نظریه نزاکت بیشترین تأثیر را در انگلستان و آمریکا به‌جای گذاشته است و می‌توان اثر آن را بر آثار حقوق‌دانانی مثل دایسی یافت که در تدوین و تکمیل این نظریه نقش به‌سزایی داشته‌اند. این نظریه که در ابتدا به‌عنوان مبنای اجرای قوانین خارجی مطرح شد، بعدها به‌عنوان مبنای اجرای احکام خارجی نیز انتخاب شد.

نظریه نزاکت بین‌المللی بر اساس مفهوم تساوی بین دولت‌ها به وجود آمده و اساس آن به گونه‌ای است که باید حالت متقابل داشته باشد. چرا که بر اساس این نظریه اجرای حکم خارجی تنها به دلیل احترامی است که بین دو دولت و حاکمیت وجود دارد که این احترام نمی‌تواند یک‌طرفه باشد. دولت‌ها به این دلیل حاضر به قبول و پذیرش اجرای احکام

1. Black law Dictionary, Henry Camp Bell Black M.A fifth Edition West publishing Co. 1983.

۲. الماسی، تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ. اول، ۱۳۶۸ صص. ۵۰ و ۵۱.

دادگاه‌های خارجی در خاك خود می‌شوند که احکام و قوانین آن‌ها نیز در کشورهای خارجی به نفع اتباع‌شان اجرا شود. حال، اگر این امر جنبه يك‌جانبه داشته باشد می‌تواند باعث ایجاد يك نوع رابطه ناخوشایند میان دو دولت شود.^۱

می‌توان گفت نظریه نزاکت بین‌المللی مبنای بسیاری از کنوانسیون‌ها و اصول حقوق بین‌الملل است. به نحوی که بخش زیادی از مصونیت‌ها و روابط کنسولی و دیپلماتیک از جمله کنوانسیون وین مبتنی بر این نظریه است.

نظریه حقوق مکتسبه

یکی از اساسی‌ترین مبانی حقوق بین‌الملل خصوصی، اصل شناسایی بین‌المللی حقوق مکتسبه است. هنگامی که يك دادگاه خارجی حکمی صادر می‌نماید، در بسیاری از موارد در واقع این صدور حکم بدین معنا است که دادگاه خارجی حقی را برای شخصی ایجاد می‌نماید. این حق می‌تواند در امور مالی یا احوال شخصیه باشد.

لازمه احترام به این حقوق و اجرای آن شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی است چرا که حکم آن‌ها به موجب قانون صلاحیت‌دار صادر شده است و این حکم حقی را برای اشخاص ایجاد نموده است که بدون معتبر شمردن احکام در خارج از قلمرو دادگاه صادرکننده آن‌ها احترام به حقوق مکتسبه افراد و اصل شناسایی بین‌المللی حقوق مکتسبه ممکن نیست.

نظریه رفتار متقابل

یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، رفتار متقابل است؛ تا آنجا که از این اصل به‌عنوان سنگ زیر بنای حقوق بین‌الملل یاد شده است. چرا که همین رفتار متقابل است که دولت‌ها را وادار می‌کند تا به خاطر حفظ منافع خودشان، منافع دیگر دولت‌ها را در رفتار خود لحاظ کنند و به آن احترام بگذارند. بسیاری از کشورها از رفتار متقابل به‌عنوان وسیله‌ای برای متقاعد نمودن سایر کشورها نسبت به معتبر دانستن و اجرای احکام صادره از محاکم خود استفاده می‌کنند.

1. Graveson. the conflict of laws, London, sweet and Maxell 7 th ed 1974, p.661.

در قوانین بسیاری از کشورها از جمله آلمان، اتریش، اسپانیا، ایران، ونزوئلا، یوگسلاوی و مکزیک، وجود رفتار متقابل، شرط شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های سایر کشورها عنوان شده است؛ که این رفتار متقابل می‌تواند به موجب وضع قوانین و یا قراردادهای دوجانبه و یا رویه قضایی احراز شود.

دیوان عالی کشور آمریکا در دعوی هیلتون علیه گایوت که در آن یک دادگاه فرانسوی علیه چند تن از اتباع آمریکا حکمی صادر کرده بود تقاضای اجرای حکم دادگاه فرانسه در خاک آمریکا را با استناد به این که فرانسه برای آرای صادرشده از دادگاه‌های آمریکا اعتبار زیادی قائل نیست؛ نقض کرد.^۱ دستور اجرای این حکم توسط دادگاه فدرال صادر شده بود ولی در دیوان عالی نقض شد.

دادگاه فدرال در بخشی از حکم خود اذعان می‌نماید که؛ « صدور چنین حکمی به جهت این است که حقوق بین‌الملل در مقیاس وسیعی بر پایه رفتار متقابل استوار و به عبارتی عمل و عکس‌العمل استوار است و به موجب اصول آن که از جانب ملل متمدن پذیرفته گردیده و هم‌چنین به موجب اصل نزاکت که مورد قبول کشور ماست و ما به عنوان یک تکلیف قضایی بایستی بدان واقف باشیم و آن را محترم شمیریم حکم خارجی علی‌الاطلاق و فی‌نفسه نمی‌تواند قطعی و لازم‌الاجرا تلقی گردد. »^۲

لذا همان‌گونه که از مفاد رأی نیز بر می‌آید اصل رفتار متقابل به‌طور جدی مورد توجه دستگاه قضایی آمریکا بوده است و می‌توان گفت که دستگاه قضایی آمریکا در اجرای احکام خارجی، رفتار متقابل را مدنظر قرار می‌دهد.

در اسلام نیز به اصل مقابله به مثل توجه ویژه‌ای شده است و در حقوق اسلامی در مورد اجرای حکم قصاص در جامعه اسلامی، مقابله به مثل به‌عنوان اساس این حکم در نظر گرفته شده است و در قرآن کریم نیز خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) دستور

۱. میرفخرایی، محمد جواد، « اجرای احکام دادگاه‌های خارجی »، مجله شماره ۲، دفتر خدمات حقوقی ریاست

جمهوری، ص. ۱۸۹.

۲. همان، ص. ۱۹۱.

داده است که اگر کافران به سمت صلح تمایل پیدا کردند و از تو درخواست صلح نمودند تو نیز با آنها صلح کن و درخواست آنان را بپذیر. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...»^۱.

نظریه اعتبار امر قضاوت شده

مطابق تعریفی که در ترمینولوژی حقوق از واژه «قضیه محکوم‌بها» شده است، این واژه مترادف امر مختومه معنی شده است.^۲

حکم صادره از دادگاه که معمولاً پس از کش و قوس‌های فراوان و تلاش بی‌وقفه و مستمر اصحاب دعوا و صرف وقت و هزینه زیاد به دست می‌آید، وقتی ارزشمند و معتبر است که دادگاه ضمن ابراز نظر قطعی و نهایی خود ختم رسیدگی را اعلام نماید و حکم صادره از اعتبار «قضیه محکوم‌بها» برخوردار باشد. یعنی امکان رسیدگی مجدد و بررسی دوباره پرونده وجود نداشته باشد. زیرا در غیر این صورت، زحمات و تلاش دادرسی و دستگاه قضایی و محکوم‌له زیر سؤال می‌رود و در واقع، بیهوده و بی‌نتیجه خواهد بود.

همچنین عدم اجرای قاعده «اعتبار امر مختومه» منجر به وقوع جدال و کشمکش بی‌پایان بین اصحاب دعوا خواهد شد و دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند برای نزاع بین اصحاب دعوا، پایانی پیش‌بینی کند. زیرا هر گاه که دادگاه رأیی صادر می‌کند ممکن است مورد پذیرش یکی از اصحاب دعوا واقع نشود و تقاضای رسیدگی مجدد داشته باشد. لذا قضیه اعتبار امر مختومه یکی از اصول مسلم و مهم قضایی است که مورد تأیید و قبول همه نظام‌های حقوقی دنیا قرار گرفته است. بر این اساس اعتبار امر مختومه به‌عنوان یکی دیگر از دلایل و مبانی شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی مورد نظر قرار گرفته است.

البته استثنای مهمی که بر اصل اعتبار امر مختومه وجود دارد، هنگامی است که به دلیل محکم و محکمه‌پسندی مشخص شود حکم صادرشده از دادگاه بر خلاف اصول عدالت و حقیقت صادر شده که در این صورت قاعده اعتبار امر مختومه جاری نخواهد شد. در حقوق بین‌الملل خصوصی نیز اگر مشخص شود که در تحصیل حکم خارجی تقلب انجام شده است حکم صادره از دادگاه خارجی قابل اجرا نخواهد بود.

۱. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۱.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۹.

نظریه تکلیف حقوقی

به موجب تئوری التزام و تعهد حقوقی، آرای خارجی که مبتنی بر قاعده اعتبار قضیه نمونه در روابط بین‌المللی استوار است و اولین بار در سال ۱۸۴۲ م. مطرح گردید و بیشتر نیز در انگلستان مورد استناد قرار می‌گیرد حکم صادره توسط محکمه صلاحیت‌دار خارجی تعهد یا تکلیفی را به پرداخت مبلغ محکوم‌به بر ذمه خوانده به وجود می‌آورد که مانند هر تعهد دیگری قابل شناسایی و اجرا است و دادگاه محل درخواست اجرا موظف به احترام و اجرای آن است. استدلال طرفداران این نظریه این است که اعتبار امر محکوم‌بهها فقط در مورد احکام صادره از محاکم داخلی نیست و در واقع مصلحت چنین اقتضا و ایجاب می‌نماید که چنانچه در مورد يك دعوا يك بار در يك محکمه صالح رسیدگی به عمل آمده و رأی صادر گردیده از طرح مجدد قضیه و تجدید رسیدگی و احیاناً صدور احکام متعارض جلوگیری به عمل آید و تعهد یا تکلیفی که ایجاد گردیده در سایر کشورها به مرحله اجرا گذارده شود.^۱

اجرای احکام خارجی علیه دولت‌ها

از ابتدای قرن بیستم که با پیشرفت روزافزون صنعت و تکنولوژی همراه بود و به‌خصوص در دهه‌های اخیر دولت‌ها دخالت خود را در امور بازرگانی و صنعتی به‌طور روزافزونی افزایش دادند به همین دلیل، قراردادهای سرمایه‌گذاری زیادی بین دولت‌ها و مؤسسات خصوصی خارجی منعقد شد و به تبع آن در مواردی نیز اختلافاتی پیش آمد که منشأ آن‌ها همین قراردادها بودند و باعث شد که نهادهای خصوصی طرف این قراردادها به خاطر رفع اختلافات‌شان سعی کنند به مراجع حل اختلاف مراجعه کنند. ولی یکی از مهم‌ترین موانعی که در این زمینه وجود داشت مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها بود که البته امروزه تا حدود زیادی تعدیل شده است و استثنائات زیادی بر آن وارد شده است. در زمینه مصونیت دولت‌ها دو نظریه مشهور مصونیت مطلق و مصونیت محدود دولت‌ها وجود دارد که در اینجا به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نصیری، همان، ص. ۳۸۴.

نظریه مصونیت مطلق

به موجب يك عرف قدیمی در نظام کامن لا که هنوز هم رگه‌هایی از آن در انگلستان در مورد دولت‌های خارجی اجرا می‌شود، فرض بر این است که دولت از هر گونه مسئولیتی مبرا است. زیرا بنا بر استدلال مارچل نمی‌توان علیه مرجعی که موجد حق است و اصل حق ناشی از اراده اوست، اقامه دعوی کرد و قوه حاکمه را بر خلاف میل خود آن قوه، تحت صلاحیت محاکم دادگستری درآورد. به نظر می‌رسد این اصل را محاکم کامن لا به منظور اجتناب از رسیدگی به دعوای اتباع کشور علیه دولت متبوعه ایشان و در واقع به مصلحت خزانه مملکت ابداع نموده‌اند.^۱

به نظریه فوق‌الذکر انتقادات زیادی شده است؛ از جمله این که برخی از حقوق دانان انگلیسی عنوان نموده‌اند که در حالی که خود دولت انگلستان به موجب قوانین داخلی خود از مصونیت برخوردار نیست خیلی از واقعیت و منطق به دور است که اشخاص حقوق خصوصی اجازه نداشته باشند که در دعوای بازرگانی و تجاری علیه دولت‌ها اقامه دعوا کنند. به طور کلی می‌توان گفت که نظریه مصونیت مطلق دولت بیشتر در حقوق کامن لا مورد استفاده است و پیشرو این نظام حقوقی، کشورهای انگلستان و آمریکا می‌باشند. به موجب این نظریه، دولت در مقابل اقامه و طرح دعوی و عملیات تعقیب، مصونیت مطلق دارد.^۲

نظریه مصونیت محدود دولت‌ها

بنابراین نظریه باید بین اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی دولت‌ها فرق بگذاریم. زیرا هنگامی که دادگاه می‌خواهد دستور اجرای حکمی را صادر نماید باید ابتدا این نکته را بررسی کند که آیا حکم صادر شده در زمینه امور بازرگانی و تصدی‌گری دولت است یا اینکه مربوط به امور حاکمیتی است که البته تعیین حدود و مرزهای اعمال حاکمیتی و تصدی در برخی موارد که این مرزها بسیار به هم نزدیک می‌شوند تا حدودی دشوار می‌شود.

۱. نصیری، «اجرای آرای داوری در ایران»، رساله دکتری، ۱۳۴۶، ص. ۹۶.
 ۲. ارفع نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج. اول، انتشارات بهتاب، صص. ۲۵۶ و ۲۵۷.

مبنا و اساس این نظریه این است که هنگامی که يك دولت در امور تجاری و بازرگانی دخالت می نماید و در واقع به عنوان يك تاجر اقدام به انجام اموری می نماید که جزء شئون حاکمیتی او محسوب نمی شود این امر و این اقدام دولت، به خودی خود، به معنای اعراض ضمنی آن دولت از مصونیت‌های قضایی و اجرایی خود است. هم‌چنین توجه به فلسفه وجود مصونیت برای دولت نیز قابل توجه است. براین اساس، دلیل وجود اصل مصونیت برای دولت‌ها اساساً این است که بتوانند به راحتی به امور حاکمیتی خود بپردازند و در انجام وظایف خود و اعمال نظم و مقررات دچار مشکل نشوند.

مثالی که در این خصوص می توان به آن اشاره نمود، موردی است که طی آن يك دادگاه مدنی بروکسل در سال ۱۹۵۱ اظهار نظر کرد که وجوه متعلق به دولت یونان از محل طرح مارشال به مصرف عملیات تصدی در دولت یونان می رسد و در اجرای يك رأی داوری به نفع يك شرکت بلژیکی قرار تأمین و توقیف وجوه آن را صادر کرد.^۱

در مجموع باید اذعان نمود که بر اساس آنچه که ذکر آن گذشت و بر اساس واقعیت‌های موجود در جهان امروز، نمی توان به طور دقیق و قاطع حد و مرز مصونیت‌های قضایی و سیاسی دولت‌ها را تعیین نمود و به طور صریح اظهار نظر نمود که آراء خارجی صادره علیه دولت‌ها در کدام کشور و در کدام موارد قابل اجراء است و در چه مواردی قابل اجرا نیست لیکن آنچه که محرز است، این است که مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها در کلیه مواردی که به معنای خاص کلمه است و مربوط به اعمال و اموال حاکمیتی آن‌ها است محرز می باشد. پیرلایو که از جمله حقوق دانان مشهور بین‌المللی است، اختلاف رویه دادگاه‌های کشورهای مختلف و راه‌حل‌های متشکست موجود را چنین ترسیم می کند:

« این دعاوی و بسیاری از دعاوی دیگر يك تصویر کلی در اختیار ما می گذارد که نامتجانس و گیج کننده و موجب آزدگی است. بعضی اوقات قضات چنین نظر می دهند که پذیرش داوری توسط يك کشور، به طور ضمنی موجب انصراف از مصونیت قضایی است.

1. Socit commercial le Belgique v.L.Etat Hellenique.1952.

اما نه در مورد اجرای حکم، یا این که انصراف از مورد اخیر قابل لغو است. در واقع مصونیت اجرایی را در اصل آن رد می‌کنند لیکن آثار آن را به استثنائات و شرایط گوناگونی مشروط می‌سازند و گاهی نیز تصمیم خود را بر این معیار مبتنی می‌کنند که ماهیت فعالیتی که موجب بروز [اختلاف و] داوری گردیده از چه نوع است و گاه به معیار محل وقوع وجوهی که موضوع تقاضای توقیف است متکی می‌شوند، گاه نیز با این استدلال که دعوی هیچ برخوردی با مرجع رسیدگی ندارد یا با استناد به دکتین اعمال حاکمیت دولت از قبول صلاحیت امتناع می‌ورزند. به این ترتیب، اختلاطی از راه‌حل‌ها وجود دارد که بیش از هر چیز بالاتکلیفی در حقوق بین‌الملل معاصر و محتاط بودن محاکم را در پرونده‌هایی که جنبه سیاسی دارند، بر ملا می‌سازد.^۱»

کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و

اموال آن‌ها

طبق قطعنامه شماره ۳۲/۱۵۱ دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال‌شان از سال ۱۹۷۸ در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قرار گرفت و در سال ۱۹۹۱ کمیسیون فوق، متن پیش‌نویس تهیه‌شده خود مشتمل بر ۲۲ ماده را جهت تصویب به مجمع عمومی توصیه نمود که کنفرانس بین‌المللی برای بررسی مواد پیش‌نویس برگزار و یک کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه منعقد گردید.

مجمع عمومی در همان سال در اجلاس چهل‌وششم خود گروه کاری را تأسیس نمود که وظیفه آن بررسی مسائل ماهوی مربوط به پیش‌نویس مواد جهت تسهیل انعقاد کنوانسیون بود. مجمع موضوع را در کنفرانس‌های ۴۷ لغایت ۴۹ و نیز ۵۲ لغایت ۵۴ ادامه داد و در سال ۲۰۰۰ (اجلاس ۵۵)، مورد بررسی قرار داد.

۱. رک: لالیو، پیر، "اجرای داوری بین‌المللی"، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره شانزدهم و هفدهم، سال ۷۲-۷۱.

مجمع با بررسی گزارش رئیس گروه کاری کمیته ششم، طبق قطعنامه ۱۵۰/۵۵ تصمیم به تأسیس کمیته خاص در خصوص موضوع نمود. کمیته خاص در اجلاس‌های ۵۶ لغایت ۵۹ به کار خود ادامه داد و نهایتاً پس از ۲۷ سال مذاکرات طولانی، در دسامبر ۲۰۰۴ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.^۱

شرایط شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ایران

قانون‌گذار در باب ششم قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به بررسی و بیان احکام شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران پرداخته است. ماده ۱۶۹ قانون مذکور به‌طور خاص شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران را تبیین می‌کند و بیان می‌دارد:

احکام مدنی صادره از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجرا است مگر این‌که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

- ۱ - حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.
- ۲ - مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.
- ۳ - اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

۴ - حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۵ - از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

۶ - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد.

۷ - حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸ - دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

قانون اجرای احکام مدنی در ماده ۱۶۹ خود که مربوط به اجرای احکام خارجی است به‌صراحت بیان می‌کند که احکام خارجی در صورتی قابل اجرا هستند که در امور مدنی صادر شده باشند. پس احکام جزایی خارجی در ایران قابلیت اجرا ندارند و پرونده‌ای که در خارج منتهی به صدور رأی شده است باید پرونده حقوقی باشد تا در ایران بتوان حکم آن را اجرا نمود.

۱. ر.ک: حیدری، بهرام، کنوانسیون مصونیت‌های قضایی دولت‌ها؛ <http://internationallaw.blogfa.com>

البته ممکن است ضمن اعلام مجازات کیفری، قاضی صادرکننده رأی، حکم به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم نیز داده باشد که در این صورت باید بگوییم که حکم دادگاه در قسمت جبران خسارت ناشی از جرم، حکم حقوقی محسوب می‌شود و نمی‌توان به استناد این که حکم از دادگاه کیفری صادر شده و یا اینکه حاوی حکم مجازات است از اجرای قسمت مدنی آن خودداری نمود. در انگلستان با وجود اینکه دادگاه‌های کیفری صالح به رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم نیستند ولی دادگاه‌های انگلیسی حکم دادگاه کیفری خارجی را که ضمن تعیین مجازات رأی به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم داده است، در قسمت مدنی آن اجرا می‌کنند. لذا همان طور که گذشت، یکی از مهم‌ترین شروط اجرای احکام خارجی در حقوق اکثر کشورهای جهان و حقوق ایران، این است که حکم خارجی در امور مدنی باشد.

قراردادها و عهدنامه‌های منعقد بین دولت ایران و سایر کشورها در زمینه

شناسایی و اجرای احکام خارجی

امروزه بین بسیاری از کشورها عهدنامه‌هایی دوجانبه وجود دارد که نشان می‌دهد شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های یکدیگر را به‌طور متقابل پذیرفته‌اند. در این مبحث به بررسی قراردادها و عهدنامه‌های منعقد بین دولت ایران و سایر کشورهای جهان که در زمینه شناسایی و اجرای احکام خارجی منعقد شده است، خواهیم پرداخت.

عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرار وجه‌الضمان قضایی منعقد بین دولتین

ایران و سوئیس

اولین مورد، قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرار وجه‌الضمان قضایی منعقد بین دولتین ایران و سوئیس مصوب ۱۳۱۳ شمسی است که بخشی از آن عیناً در این متن گنجانده شده است:

«ماده دوم - احکام محکومیت به مصارف و مخارج محاکمه صادره در یکی از مملکتین متعاهدین بر علیه مدعی یا شخص ثالث که به موجب ماده يك و یا بر طبق قوانین مملکتی که در آن اقامه دعوا شده از دادن حق‌الضمان، ودیعه یا تأدیه وجه تضمین مخارج محاکماتی معاف گردیده‌اند از طرف مقامات صالحه

مملکت دیگر مجاناً به موقع اجرا گذارده خواهد شد. تقاضای اجرای حکم یا از مجرای سیاسی و یا مستقیماً به وسیله طرف ذی نفع به عمل خواهد آمد. همین قاعده، تصمیمات قضایی را که به موجب آن میزان مصارف محاکمه بعداً تعیین می‌گردد، شامل می‌شود.^۱

با وجود این معاهده می‌توان گفت که رابطه رفتار متقابل در روابط بین ایران و سوئیس در زمینه اجرای احکام بدون شك وجود دارد و این رابطه قراردادی است. براساس نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز، که طی نامه شماره ۷/۹۰۵۶ مورخ ۷۴/۱/۲۱ بیان نموده است که با توجه به وجود عهدنامه مودت و قرارداد اقامت مورخ ۱۳۱۳/۱۲/۴ که به تصویب مجلس ملی نیز رسیده است، به نظر می‌رسد که امکان اجرای احکام مدنی هر يك از دو کشور در کشور دیگر وجود دارد، شرط وجود رفتار متقابل بین ایران و سوئیس محرز است.

قرارداد تعاون قضایی در مسائل حقوقی و تجاری بین دولت شاهنشاهی ایران و

دولت ترکیه^۲

قرارداد دیگری که در زمینه اجرای احکام خارجی وجود دارد، قرارداد تعاون قضایی در مسائل حقوقی و تجاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ترکیه است که در ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ به تصویب دوطرف رسید و مشتمل بر ۱۸ ماده است. بر اساس این معاهده، مقامات صلاحیت‌دار قضایی برای صدور قرار اجرای حکم فقط به ملاحظه این نکته اکتفا خواهند نمود که آیا بر طبق قوانین کشوری که حکم محکومیت در آنجا صادر شده است حکم قطعی است یا خیر. در مورد اسناد و مدارك ضمیمه نیز باید گفت بر اساس این معاهده در صورتی که صحت رأی توسط مترجم قسم‌خورده تصدیق شده باشد، نیازی به تأیید آن توسط مأمور سیاسی یا قنسولی دولت تقاضاکننده نخواهد بود. هم‌چنین شرایط پیش‌بینی شده در این معاهده بسیار آسان‌تر و کمتر از شرایطی است که در قانون اجرای احکام مدنی برای اجرای احکام خارجی پیش‌بینی شده است.

۱. رک: قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرار وجه‌الضمان قضایی منعقد بین دولتین ایران و سوئیس مصوب ۱۳۱۳ شمسی.

۲. رک: قانون قرارداد تعاون قضایی در مسائل حقوقی و تجاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ترکیه مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶.

عهدنامه مودت و اقامت بین دولت ایران و جمهوری اتریش

سومین قرارداد موجود در این خصوص، عهدنامه مودت و اقامت بین دولت ایران و جمهوری اتریش است که در آبان ماه ۱۳۴۴ به تصویب قوه مقننه رسیده است. عهدنامه مذکور اشاره دارد که مقام صلاحیت دار متقاضی باید ضمن اعلامیه ای قطعیت رأی صادره توسط دادگاه را تأیید کند و عالی رتبه ترین صاحب منصب دستگاه قضایی کشور متقاضی باید این اعلامیه را تأیید نماید. در مورد این که عالی رتبه ترین صاحب منصب دستگاه قضایی کشور چه کسی است، تردیدی وجود ندارد که رئیس قوه قضائیه، در حال حاضر، عالی رتبه ترین صاحب منصب دستگاه قضایی است و اعلامیه مذکور در عهدنامه فوق باید به تأیید او برسد. اما در مورد این که مقام صلاحیت دار برای اعلام قطعیت حکم چه کسی است می توان گفت که دادگاهی که به موجب آیین دادرسی کشور حکم قطعی را در هر موضوع با توجه به صلاحیتش صادر می نماید و حکم صادر شده توسط او قابل اعتراض نیست، مقام صالح جهت تعیین قطعیت حکم است.

در هر حال، تشخیص و تأیید این امر که در هر مورد کدام دادگاه جهت اعلام قطعی بودن حکم، صالح است با عالی ترین صاحب منصب دستگاه قضایی یا همان رئیس قوه قضائیه است که مطابق با قواعد و اصول آیین دادرسی مدنی صورت خواهد پذیرفت.^۱

قرارداد اقامت و دریانوردی بین ایران و فرانسه

قرارداد دوجانبه دیگری که در زمینه شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی قابل استناد است، قرارداد اقامت و دریانوردی بین ایران و فرانسه است که سوم تیر ماه ۱۳۴۲ در تهران به امضا رسید و دو سال بعد یعنی در اردیبهشت ۱۳۴۵ به تصویب رسید. ماده ۵ این عهدنامه اشعار می دارد:

«... طرفین قرارداد موافقت دارند که فصل های سه و چهار قرارداد عمومی لاهه مورخ اول مارس ۱۹۵۴ را در خصوص آیین دادرسی مدنی در مورد موضوع هایی که فصول مزبور ناظر بر آن است، بین خود مجری دارند.»

۱. ر.ک: قانون عهدنامه مودت و اقامت بین دولت ایران و جمهوری اتریش، مصوب آبان ماه ۱۳۴۴.

نظر به اینکه فصل‌های ۳ و ۴ قرارداد عمومی لاهه مورخ مارس ۱۹۵۴ مربوط به شناسایی و اجرای احکام قطعی دادگاه‌های خارجی در امور مدنی است می‌توان گفت که بر اساس ماده ۵ قانون قرارداد اقامت و دریانوردی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت فرانسه، طرفین قابلیت اجرای احکام دادگاه‌های یکدیگر را در خاک خود پذیرفته‌اند.^۱

موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت

جمهوری آذربایجان

پنجمین معاهده که مربوط به اجرای احکام قطعی مدنی خارجی است، قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان است که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۸ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.^۲

موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت

معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی

ششمین معاهده قانون موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۷۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که مواد ۴۴ تا ۵۱ آن به موضوع اجرای احکام خارجی در امور مدنی، خانوادگی و ضرر و زیان ناشی از جرم، اختصاص یافته است.

بند یک ماده ۵۰ این موافقت‌نامه یکی از موارد امتناع از شناسایی و اجرای حکم دادگاه خارجی را موردی می‌داند که خوانده به دلیل عدم تحویل به‌موقع یا به‌طور مناسب احضاریه دادگاه نتوانسته باشد در محاکمه شرکت کند. این موافقت‌نامه تنها به ذکر واژه «به‌موقع» و «مناسب» اکتفا نموده است و منظور خود را از مناسب، مشخص نکرده است. به‌نظر می‌رسد که برای تعیین موعد مقرر و نحوه مناسب ابلاغیه و احضاریه باید به قوانین آیین دادرسی دادگاه صادرکننده رأی مراجعه نمود. چرا که براساس اصول حقوق بین‌الملل خصوصی در هر دعوایی جریان دادرسی باید طبق قوانین آیین دادرسی دادگاه صادرکننده

۱. ر.ک: قرارداد اقامت و دریانوردی بین ایران و فرانسه، مصوب سوم تیر ماه ۱۳۴۲.

۲. ر.ک: قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، مصوب ۲۰ آذر ۱۳۷۸.

حکم انجام شود. قوانین مربوط به آیین دادرسی مدنی عموماً جزء قواعد آمره هستند و حتی توافق طرفین نیز جز در موارد استثنا، بر خلاف آن امکان پذیر نیست.

برای مثال، اگر تقاضای شناسایی و اجرای حکم صادره از دادگاه‌های روسیه در دادگاه ایران شده باشد، دادگاه ایرانی برای تشخیص اینکه آیا ابلاغ احضاریه به طرفین دعوا به طور صحیح انجام شده است و اعتبار قانونی دارد یا نه باید به قانون آیین دادرسی مدنی روسیه مراجعه کند و نه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های ایران.

عبارت « بدون دادرسی مکمل » که در ماده ۴۴ ذکر شده است، اشاره به این مطلب دارد که دادگاه محل شناسایی و اجرای حکم حق رسیدگی ماهوی و بررسی مجدد ماهوی دعوای مورد حکم را ندارد و تنها صالح به بررسی شرایط شکلی دادخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی است.

در مورد هزینه‌های دادرسی و شیوه اجرای تصمیمات و احکام قضایی و غیرقضایی خارجی بین متعاهدین این موافقت‌نامه بر اساس مواد ۴۹ و ۴۸ قوانین کشوری را که اجرای حکم باید در خاک او صورت پذیرد، صالح دانسته است.

در مورد شرایط امتناع از شناسایی و اجرای حکم دادگاه این موافقت‌نامه تنها سه شرط عدم اختصاص موضوع مورد حکم به دادگاه‌های کشوری که تقاضای اجرای رأی خارجی در خاک او شده است و عدم شروع به دادرسی و تشکیل پرونده در خاک کشور مورد تقاضای اجرای حکم خارجی و ابلاغ و تحویل مناسب و صحیح احضارنامه‌ها و ابلاغیه‌های دادگاه به طرفین را نام برده است.^۱

موافقت‌نامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه

هفتمین عهدنامه‌ای که در زمینه شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ایران قابل استناد است، موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه است که هر دو دولت به قصد ایجاد

۱. ر.ک: قانون موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۷۵.

همکاری قضایی مؤثر در موضوعات حقوقی بازرگانی، کیفری و تصفیه ترکه و با توجه به علاقه آنان در برقراری این همکاری در چارچوب احترام به حاکمیت و برابری حقوق طرفین، این موافقت‌نامه را منعقد نمودند. این موافقت‌نامه در تاریخ ۷۸/۲/۲۵ در دمشق تنظیم شد. در تاریخ ۸۰/۸/۳۰ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مورخ ۸۱/۴/۱۵ عیناً به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. این معاهده شامل ۹۹ ماده است که مواد ۳۱ تا ۳۹ آن مربوط به رسمیت شناختن و اجرای احکام قضایی و قراردادهای رسمی و صلح قضایی است.^۱

موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت

جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان

این موافقت‌نامه در تاریخ ۷۸/۷/۱۴ در شهر تهران تنظیم گردیده و شامل ۵۶ ماده می‌باشد که مواد ۴۳ تا ۵۰ این موافقت‌نامه در مورد احراز اعتبار و اجرای تصمیمات قضایی در امور مدنی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است.

مطابق ماده ۴۳ این عهدنامه احکام دادگاه‌های کیفری دو کشور در قسمتی که مربوط به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و همچنین تصمیمات دادگاه‌های مدنی است به‌طور کلی قابل شناسایی و اجرا است.^۲

کنترل صلاحیت قانون اعمال‌شده در محکمه خارجی

هر دادگاهی که دعوی بین‌المللی نزد آن اقامه می‌شود برای تعیین اینکه کدام قانون برای اعمال در موضوع مورد بحث صالح است، قوانین حل تعارض خود را اعمال می‌کند. در بسیاری از موارد، قوانین حل تعارض کشورهای مختلف یکسان نیستند و در صورت اعمال نتایج متفاوتی خواهند داشت.

۱. رک: قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مصوب ۸۱/۴/۱۵.

۲. رک: موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مورخ ۷۸/۷/۱۴.

سؤالی که در این بخش قابل بررسی است، این که آیا لازم است دادگاهی که از آن تقاضای اجرای حکم خارجی شده است، قانون خارجی اعمال شده در دعوی را نیز کنترل نماید یا خیر. به عبارت دیگر، برای اینکه دستور اجرای حکم خارجی صادر شود آیا لازم است که قانون خارجی مطابق قاعده حل تعارض کشوری انتخاب شده باشد که درخواست شناسایی اجرای حکم از دادگاه آن کشور صورت گرفته است یا خیر.

در کشور فرانسه دادگاه فرانسوی جهت احراز این شرط باید بررسی نماید که آیا دادگاه خارجی قانون صلاحیت‌دار را طبق سیستم فرانسوی حل تعارض انتخاب کرده است یا خیر و چنانچه قانون دیگری را ملاک اجرا قرار داده آیا آن قانون از نظر محتوی با قانونی که طبق قاعده حل تعارض فرانسه واجد صلاحیت بوده یکسان است یا نه. البته بعضی از حقوق دانان فرانسوی این شرط را لازم ندانسته و اعتقاد دارند که پس از احراز صلاحیت دادگاه خارجی، تعیین قانون صلاحیت‌دار باید در اختیار همان دادگاه باشد اما بیشتر حقوق دانان فرانسوی و نیز رویه قضایی این کشور در مورد لزوم انتخاب قانون صلاحیت‌دار به موجب قاعده حل تعارض فرانسه تأکید دارند.^۱

در این مورد، قانون ایران ساکت است. ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که به بیان شرایط لازم جهت اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران می‌پردازد هیچ گونه اشاره‌ای به انتخاب قانون صالح توسط دادگاه صادرکننده رأی و این که این قانون مطابق سیستم حل تعارض کدام کشور باید انتخاب شود، نکرده است. رویه قضایی نیز در این مورد راه حل مشخصی را انتخاب ننموده است.

قانون‌گذار در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در بیان شروط لازم جهت اجرای حکم خارجی در مقام بیان است و کلیه شروطی را که برای شناسایی و اجرای احکام خارجی لازم است، نام می‌برد ولی در مورد انتخاب قاعده حل تعارض سکوت کرده که می‌توان گفت این سکوت، سکوت در مقام بیان است و از مفهوم مخالف آن، می‌توان

۱. الماسی، «شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه و حقوق انگلستان و آمریکا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش. ۲۵.

نتیجه گرفت که قانون‌گذار انتخاب قاعده حل تعارض مطابق قانون ایران را جزء شروط لازم ندانسته است.

از طرف دیگر، این يك واقعیت غیرقابل‌انکار است که هنگامی که ما اصل اجرای احکام خارجی در حقوق خود را می‌پردازیم، در واقع، اجرای احکامی را پذیرفته‌ایم که مطابق قوانین ماهوی و شکلی خارجی صادر شده‌اند و این که ما قائل شویم که دادگاه خارجی باید در انتخاب قوانین حل تعارض از قوانین ایران تبعیت می‌نموده است کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

برای مثال، فرض کنید که يك مرد هلندی و زن سوئدی از یکی از دادگاه‌های انگلستان طلاق گرفته‌اند و خواستار شناسایی حکم طلاق خود در دادگاه ایران هستند اگر ما بخواهیم مطابق قاعده حل تعارض ایرانی قانون حاکم بر این دعوا را بررسی نماییم باید گفت که دادگاه انگلستان باید حتماً قانون کشور شوهر یعنی قانون هلند را در این قضیه اعمال نموده باشد و در غیراین صورت، این طلاق از لحاظ دادگاه‌های ایران معتبر نخواهد بود. در حالی که معمولاً دادگاه‌های انگلستان، قانون اقامتگاه زوجین را بر دعوی خانوادگی اعمال می‌کنند که این قانون ممکن است قانون انگلستان و یا کشور دیگری باشد. اعلام عدم اعتبار حکم دادگاه خارجی در این مورد، به واسطه عدم رعایت قاعده حل تعارض ایران در صدور حکم طلاق دور از ذهن به نظر می‌رسد.

البته استثنای مهمی که بر قاعده فوق وجود دارد، مواردی است که قانون‌گذار صراحتاً قاعده حل تعارض را بیان نموده و این قاعده جزو قواعد آمره محسوب می‌شود که توافق برخلاف آن معتبر نمی‌باشد. برای مثال، قانون‌گذار احوال شخصیه ایرانیان خارج از کشور را تابع قانون ایران دانسته و توافق بر خلاف آن را ممکن نمی‌داند. در مثالی دیگر، در مفاد بند ۷ ماده ۱۶۹، قانون‌گذار علاوه بر اینکه دعوی مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران را تابع قانون ایران می‌داند حتی رسیدگی به این دعوی را نیز در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران می‌داند.

به عنوان مثال، می توان به رأی صادر شده از شعبه ۱۱۰ دادگاه عمومی تهران در مورد پرونده کلاسه ۸۱۳/۱۱۰/۷۴ در مورد درخواست تنفیذ حکم طلاق صادر شده از دادگاه ناحیه گوتنبرگ سوئد اشاره نمود. دادگاه عمومی ایران که تقاضای شناسایی حکم خارجی از آن شده بود، در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۴ چنین نظر داد که: « با توجه به محتویات پرونده و ملاحظه مدارک تقدیمی حکم طلاق وفق موازین اسلامی و قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران صادر نگردیده و وقوع طلاق منتفی می باشد. لذا حکم به رد دعوی مشروحه به کیفیت تقدیمی صادر اعلام گردید. »

حکم صادر شده فوق به نظر کاملاً صحیح می رسد. زیرا مطابق قانون مدنی ایران احوال شخصیه اتباع ایران تابع قانون ایران است و دادگاه سوئد در صدور حکم طلاق به جای اجرای قانون کشور متبوع زوجین، قانون سوئد را بر اتباع ایران حاکم کرده بود و طبیعی است که چنین حکمی در ایران قابل اجرا نخواهد بود.

نحوه تجدیدنظرخواهی نسبت به قرار صادره از دادگاه

ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می دارد: «قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواند.»

بر اساس ظاهر ماده ممکن است چنین استنباط شود که ماده فوق الإشعار در مقام بیان بوده است و با استفاده از مفهوم مخالف آن، اظهار نمود که قرار قبولی تقاضای اجرای حکم خارجی قابل تجدیدنظرخواهی نبوده و فقط قرار رد تقاضا از ناحیه محکوم له حکم خارجی قابلیت تجدیدنظر دارد. اما نباید از نظر دور داشت که این استدلال کمی بعید به نظر می رسد. زیرا در کلیه قوانین و امور مربوط به آیین دادرسی تجدیدنظرخواهی يك امر دوطرفه است که هم خواهان و هم خوانده دعوا از آن برخوردار هستند و ما در هیچ يك از قوانین دیگر موردی را سراغ نداریم که برای یکی از طرفین دعوا حق تجدیدنظرخواهی قرار داده شده باشد و طرف دیگر از این حق محروم باشد.

هم چنین به نظر نمی رسد که قانون گذار قصد داشته است که برای خواهان در دعوی صدور دستور اجرای حکم خارجی يك امتیاز ویژه و خاص قرار دهد و بدون اینکه خوانده

حق تجدیدنظر داشته باشد او را از این حق برخوردار نماید. چرا که این امر ترجیح بلامرجح می‌باشد و خواهان این دعوی هیچ امتیاز خاصی نسبت به خوانده ندارد. از سوی دیگر، نظر به اهمیت امر، بعید به نظر می‌رسد که بگوییم حق تجدیدنظر از تصمیمات دادگاه برای یکی از طرفین وجود نخواهد داشت. برای مثال، ممکن است که دادگاه حکم به تنفیذ و شناسایی حکم طلاق صادرشده از دادگاه خارجی را داده باشد. حکم طلاق که از دادگاه‌های خود ایران صادر می‌شود، قابل فرجام خواهی است. لذا بعید به نظر می‌رسد که بگوییم حکم طلاق دادگاه خارجی پس از يك بار رسیدگی شکلی قطعی خواهد شد و حق اعتراض نسبت به آن وجود ندارد.

براساس ماده ۱۷۶ قانون اجرای احکام مدنی رأی دادگاه در شناسایی و یا اجرای احکام دادگاه‌های خارجی غیرقابل فرجام‌خواهی خواهد بود. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که در صورتی که حکم دادگاه در موضوعاتی باشد که این موضوعات مطابق قانون آیین دادرسی مدنی قابلیت فرجام‌خواهی دارند. آیا دستور شناسایی این احکام قابلیت فرجام‌خواهی خواهد داشت یا خیر. ماده ق.آ.د.م. آرای قابل فرجام را بیان می‌کند.

ماده ۳۶۸ - آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:
الف - احکام.

احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

ب - قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آن‌ها قابل رسیدگی فرجامی باشد.

۱ - قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد.

۲ - قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

هم‌چنین ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م. بیان می‌دارد که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می‌گردد.

نظر به اینکه قانون آیین دادرسی مدنی پس از تصویب قانون اجرای احکام مدنی تصویب شده است و هم‌چنین با توجه به صراحت ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م. مدنی، می‌توان گفت که قانون اجرای احکام مدنی در موادی که مغایر با قانون آیین دادرسی مدنی است، نسخ شده است. لذا قابل فرجام بودن یا نبودن احکام باید بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی تعیین شود که قانون اخیرالذکر، احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و

وقف را قابل فرجام می‌داند.

نظر به ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م. مرجع تجدیدنظرخواهی نسبت به قرار صادره در رابطه با اجرای حکم خارجی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دادگاه تجدیدنظر استانی است که دادگاه بدوی در حوزه آن قرار دارد. دادگاه تجدیدنظر مطابق ماده ۱۷۶ قانون اجرای احکام مدنی برای رسیدگی به تجدیدنظرخواهی جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌دهد و در صورت وارد بودن اعتراض خواننده و یا خواهان، حکم دادگاه بدوی را نقض و حکم جدید صادر می‌نماید و در غیر این صورت، قرار صادرشده توسط دادگاه بدوی را مورد تأیید و تنفیذ قرار می‌دهد.

رویه قضایی

به دلیل زیاد نبودن مواردی که طی آن تقاضای شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی از دادگاه‌های ایران شده است، رویه قضایی مدون و خالی از ابهامی در این مورد، در ایران وجود ندارد. در این مقاله، برای بررسی رویه قضایی فعلی دستگاه قضایی ایران به ذکر برخی احکام صادرشده توسط دادگاه‌های ایران در خصوص اجرای احکام خارجی در این مورد می‌پردازیم.

قرار لازم‌الاجرا بودن رأی دادگاه تجدیدنظر تجارت کویت

در خصوص درخواست خواهان به طرفیت خواننده دایر بر شناسایی و اجرای دادنامه شماره ۹۹/۱۳۲۳ و ۹۹/۱۳۴۸ دادگاه تجدیدنظر تجاری کویت با توجه به مدارک استنادی از قبیل رأی دادگاه، قطعیت آن و گواهی سفارت ایران در کویت مبنی بر مطابقت رأی با قوانین کویت و هم‌چنین صدور دستور اجرای آن توسط دادگاه کویت و این‌که جهات ردی برای تقاضا وجود ندارد، دادگاه پس از بررسی مدارک پرونده در جلسه فوق‌العاده مورخ ۸۲/۲/۱۶ به شرح زیر دادنامه شماره ۱۰۵ مورخ ۱۶/۲/۸۲ را صادر کرد:

مطابق مواد ۹۷۱ و ۹۷۲ قانون مدنی و مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی قرار لازم‌الاجرا بودن حکم صادر و اعلام می‌گردد. این قرار قطعی است. مقرر می‌شود دفتر

اجرائیه صادر کند و پرونده از آمار کسر گردد.^۱

تنفیذ حکم طلاق صادره از دادگاه دانمارک توسط دادگاه خانواده ایران

دادگاه خانواده ایران در تاریخ ۸۱/۸/۷ در رسیدگی به تقاضای تنفیذ حکم طلاق صادره از دادگاه دانمارک بدون صدور دستور اجرا وارد ماهیت دعوی شده و به تقاضای خواهان، درخواست تنفیذ طلاق وی را طبق قوانین ایران رسیدگی کرده و حکم مورد درخواست را اماره و قرینه‌ای برای حکم طلاق خود فرض کرده و پس از رسیدگی ماهیتی به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران حکم طلاق صادر کرد.^۲

تنفیذ احکام طلاق صادره از دادگاه عالی کالیفرنیا مورخ ۸۰/۱۰/۷

در احکام جداگانه دیگری به تاریخ ۸۰/۱۰/۷ به درخواست تنفیذ طلاق رسیدگی و با این استدلال که حکم طلاق دادگاه صادره از سوی دادگاه عالی کالیفرنیا حاکی از اعلام خاتمه رابطه زناشویی بوده و تأیید مراتب شرعی بودن آن از طرف سردفتر ازدواج اسلامی و اجرای صیغه طلاق شرعی با شرایط شرعی به استناد ماده ۶ و ۹۷۲ ق.م. حکم دادگاه کالیفرنیا را تنفیذ کردند.

در حکم دیگری به تاریخ ۷۹/۵/۳ در پاسخ به تنفیذ حکم طلاق صادره از دادگاه کالیفرنیا، دادگاه خانواده تهران می‌گوید که با توجه به این که طرفین از اقلیت‌های مذهبی ارامنه ایران بوده و حکم طلاق مطابق مقررات دین مسیح صادر و اجرا شده است و اسناد و مدارک تقدیمی و مطابقت آن مورد تأیید خلیفه‌گری ارامنه قرار گرفته، به استناد ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، حکم را تنفیذ کردند.^۳

نتیجه

کشورهای جهان در قرن ۲۱ به مراتب به هم وابسته‌تر از گذشته شده‌اند و پیشرفت وسایل حمل و نقل و مدرن شدن جوامع باعث رفت و آمد بیشتر اتباع کشورها به یکدیگر و سوق نمودن هرچه بیشتر نظام‌های بزرگ حقوقی جهان به سمت وحدت حقوقی شده است.

۱. رک: پورنوری، منصور، "شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران" <http://www.aftabir.com/articles>

۲. رک: همان.

۳. رک: همان.

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، هر چند اجرای احکام خارجی را پیش‌بینی می‌کند و شرایط مندرج در آن تا حدودی مناسب به نظر می‌رسد، لیکن باید توجه داشت که صرف وجود قانون مناسب جهت اجرای احکام خارجی کافی نیست. زیرا قانون را قضاات اجرا می‌کنند و استنباطی که قضاات از قانون خواهند داشت متأثر از واقعیت‌های زندگی و نیازهای عصر خود است. لذا نمی‌توان نقش رویه قضایی را که ثمره اجرای قانون در طول زمان است، نادیده گرفت. چرا که در واقع، رویه قضایی می‌تواند ضعف‌ها و نقص‌های قانون را پوشش دهد و آن را جبران نماید که متأسفانه در کشور ما در زمینه اجرای احکام خارجی رویه قضایی مشخص و کاملی شکل نگرفته است که یکی از دلایل آن می‌تواند کم بودن موارد درخواست اجرای احکام خارجی از دادگاه‌های ایران باشد.

همان‌گونه که ذکر آن گذشت، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که مبین شرایط شناسایی و اجرای احکام خارجی است، ۳۴ سال پیش تصویب شده است و پاسخگوی نیازهای امروز کشور و متناسب با تحولات جدید حقوق بین‌الملل خصوصی نیست. لذا اصلاح و تغییر بندهایی از آن و افزودن مواد جدیدی به آن، اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. از جمله مواردی که می‌توان به قانون فوق‌الذکر اضافه نمود، اضافه نمودن شرایط ذیل به شرایط لازم جهت اجرای احکام خارجی است؛

۱. احراز ارتباط مؤثر موضوع دعوی با دادگاه خارجی صادرکننده حکم، به نحوی که ارتباط و صلاحیت دادگاه خارجی از لحاظ موازین حقوق بین‌الملل توجیه شود.
۲. حکم دادگاه خارجی باید حضوری باشد و اخطاریه دادگاه باید در موقع مناسب به محکوم‌علیه ابلاغ واقعی شده باشد یا به هر نحوی ثابت شود که محکوم‌علیه از جریان دادرسی کاملاً آگاه بوده و امکان حضور در دادگاه و فرصت مناسب جهت دفاع از خود را به‌طور مناسب داشته است.
۳. حکم خارجی در نتیجه عمل یا مدارك متقلبانه یکی از طرفین دعوی صادر نشده باشد.
۴. طرفین دعوی نباید در تحصیل حکم خارجی نسبت به قانون مقرر دادگاه و یا دیگر

قوانین، تقلب نموده باشند.

به نظر می‌رسد که لازم است در زمینه اجرای احکام خارجی کارهای تحقیقی بیشتری انجام شود و رویه قضایی و دادگاه‌های کشور توجه خاصی به این موضوع نمایند تا بدین ترتیب کمبودها و خلأها و ابهامات موجود در این زمینه تا حد امکان کاهش یابد.

منابع

۱. ارفع نیا، دکتر بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ج. اول، انتشارات بهتاب، ۱۳۸۹.
۲. الماسی، دکتر نجاد علی، *شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه و حقوق انگلستان و آمریکا*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش. ۲۵، ص. ۸۴.
۳. _____، *تعارض قوانین*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ. اول، ۱۳۶۸.
۴. پور نوری، دکتر منصور، *شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران* <http://www.aftabir.com/articles>
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۶۹.
۶. حیدری، بهرام، *کنوانسیون مصونیت‌های قضایی دولت‌ها* <http://internationallaw.blogfa.com>
۷. کاتوزیان، دکتر ناصر، *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*، چ. پنجم، ۱۳۷۶، نشر دادگستر.
۸. لالیو، پیر، *اجرای داوری بین‌المللی*، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره شانزدهم و هفدهم، زمستان ۱۳۷۲.
۹. ادوایر، برنشتاین، ریستائو، *اجرای احکام دادگاه‌های خارجی*، ترجمه، میرفخرایی، دکتر محمد جواد، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲، بهار ۱۳۶۴، دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری.
۱۰. نصیری، مرتضی، *اجرای آرای داوری در ایران*، رساله دکتری ۱۳۴۶.
۱۱. _____، *حقوق چند ملیتی*، نشر دانش امروز، تهران ۱۳۷۰.
12. Black Law Dictionary Henry Camp Bell Black M.A fifth Edition West publishing Co 1983.
13. Graveson, the Conflict of Laws, London, sweet and Maxell 7 th edition 1974.
14. Wolf, Martin. Private International Law, oxford press, 1995.
۱۵. *قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی*، مصوب سال ۱۳۷۹.
۱۶. قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرار وجه‌الضمان قضایی منعقد بین دولتین ایران و سوئیس مصوب ۱۳۱۳ شمسی.
۱۷. قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶.
۱۸. قانون عهدنامه مودت و اقامت بین دولت ایران و جمهوری اتریش مصوب آبان ماه ۱۳۴۴.
۱۹. قانون قرارداد تعاون قضایی در مسائل حقوقی و تجاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ترکیه است که مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶.
۲۰. قانون موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۷۵.
۲۱. قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۲۰ آذر ۱۳۷۸.

۲۲. قانون موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مورخ ۷۸/۷/۱۴.
۲۳. قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مصوب ۸۱/۴/۱۵.
۲۴. قرارداد اقامت و دربانوردی بین ایران و فرانسه مصوب سوم تیر ماه ۱۳۴۲.

